

بررسی تشبیه در روح‌الارواح شهاب‌الدین احمد سمعانی با تأکید بر عنصر مشبه‌به

حمید رضایی* - محمد رضایی** - منیره مسیبی***

چکیده

تشبیه پرکاربردترین صورخیال در روح‌الارواح و ابزار است که نویسنده برای تبیین و توضیح اندیشه‌های خود از آن استفاده کرده است. بیشترین تشبیهات روح‌الارواح از نوع معقول به محسوس و نیز از نوع بلیغ است که به صورت اضافه تشبیهی به کار رفته است. با توجه به اینکه از میان عناصر تشبیه، مشبه‌به بیشترین نقش را در بیان جهان‌بینی نویسنده دارد، مقاله حاضر با تأکید بر این عنصر به بررسی و تحلیل تشبیهات روح‌الارواح پرداخته، مشخص کرده است که سمعانی بهترین شیوه در بیان مفاهیم عرفانی و توضیح حالات روحی عارف و احوال و مقامات او را کاربرد تشبیه معقول به محسوس و استفاده از عناصر طبیعت به عنوان مشبه‌به دانسته است. مواد مشبه‌به در روح‌الارواح بسیار متنوع و گسترده است؛ اما مهم‌ترین موضوعی که نویسنده در تصویرسازی‌هایش به آن توجه کرده طبیعت است. از مجموع ۲۶۴۰ تشبیه بررسی شده، تعداد ۶۳۶ به طبیعت و عناصر وابسته به آن مربوط است. پس از آن اسباب و لوازم زندگی، پوشاک و مکان‌های مختلف به عنوان مشبه‌به، به کار گرفته شده‌اند. اصطلاحات رمزی، جانوران، انسان، اعضای بدن انسان، جواهر و معادن، نور، مشاغل و خوراکی‌ها نیز در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه: روح‌الارواح، تشبیه، مشبه‌به، تصویر، احمد سمعانی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) faanid2003@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان Mohamad_rezaie@semnan.ac.ir

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۲۵ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

ابوالقاسم احمد بن ابی‌المظفر منصور سمعانی فقیه، واعظ، مفتی و شاعر مشهور خاندان سمعانی و از علمای شافعیه بوده است. وی در سال ۴۸۷ هـ. ق. در مرو زاده شد و در سال ۵۳۴ هـ. ق. بدرود حیات گفت. خاندان سمعانی امام روزگار خود بودند و بر همه بزرگان زمان خود به لحاظ فضل و دانش برتری داشتند. ابوالقاسم نیز مفسر قرآن و در حدیث صاحب‌نظر بود و در این زمینه آثاری چون منهج اهل سنه تألیف کرد. از دیگر تألیفات او نیز می‌توان به القواطع، الخلاف، الانتصار و الاصلام اشاره کرد. او شاعری خوش‌سخن بود و رهی تخلص می‌کرد. با نکته‌های شعرشناسی و نقدالشعر نیز آشنا بود و تصوفی عاشقانه داشت. باآنکه به نقل سخنان عشق‌آمیز پیران اهل صحو می‌پرداخت؛ اما خود به جرگه اهل سکر می‌پیوست. او اساس آفرینش را بر پایه عشق و محبت می‌داند و معتقد است انسان به خاطر درد و اندوه عشق باید بار سنگین امانت را تحمل کند.

روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح، کتابی در مبحث اسماء حسنی است. این کتاب اگرچه در نیمه اول قرن ۶ نوشته شده است؛ اما «به مناسبت توجه مؤلف به مؤلفات سده چهارم و پنجم و در عین حال گرایش او به صبغه سادگی زبان، که سوای استثناهای اندک از شناسه‌های شاخص و آشکار کتاب‌های عرفانی و خانقاهی بوده است و هم به دلیل به‌سر آمدن پاره‌ای از عمر مؤلف در سده پنجم می‌توان آن را از نگاشته‌های سده پنجم هم به شمار آورد» (سمعانی، ۱۳۶۷: ۴۷).

شرح اسمای الهی در زبان عربی بسیار شایع بوده است؛ اما به‌نظر می‌رسد روح‌الارواح در نوع خود نخستین اثر مفصل و منظم به زبان فارسی است. سمعانی ۱۱۰ نام خداوند را در ۷۴ عنوان بررسی کرده است. در هر مورد ابتدا معنی لغوی را بیان کرده، سپس با یاری‌گرفتن از اندیشه‌های خود، آن را به‌گونه‌ای زیبا توصیف کرده است. «سمعانی در روح‌الارواح تحت تأثیر کشف‌الاسرار و رسائل اخوان‌الصفا و الهام‌بخش نویسندگان بعد از خود نیز بوده است. مثنوی بیش از هر اثر دیگری در ادبیات فارسی در سبک و محتوا به روح‌الارواح نزدیک است» (چیتیک، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

افزون بر این، وی در روح‌الارواح از ابوسعید ابوالخیر نیز متأثر بوده و سخنانی از او در این اثر نقل کرده است. «از خصوصیات بارز متن این است که موضوعات عرفانی

در آن به‌طور نظری، در قالب تعریفات خشک و بی‌روح بیان نشده است. مفاهیم صوفیانه برای احمد سمعانی مقوله‌ای نبوده که بتوان آن را به‌طور تشریحی و توضیحی بیان کرد. شاید از این دیدگاه بتوانیم روح‌الارواح را به‌عنوان اثر منعکس‌کننده منظومه فکری و زیباشناختی تصوف خراسان بررسی کنیم» (موریو، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

روح‌الارواح افزون بر اینکه نخستین و مفصل‌ترین شرح بر اسماء حسنی است، از جهات دیگر نیز اهمیت دارد؛ از جمله به اعتبار بازیافتن ابیاتی از شعر کهن فارسی و تاریخ شعر خانقاهی، آرا و اخبار خانقاهی، آراء کلامی و فواید عصری، اسباب شاعرانه و هنر نویسندگی و همچنین ویژگی‌های زبانی (سمعانی، ۱۳۶۸: ۹۰-۴۷). همچنین در مقدمه کتاب نیز اشاره شده که نثر کتاب کهنه و دیرینه و به نوشته‌های کهن فارسی چون کشف‌المحجوب و طبقات الصوفیه شبیه است. سبک نویسنده همانند وعاظ بر روش قصه‌گویی مبتنی است و به‌طور کلی می‌توان گفت نثری آهنگین و سرشار از صنایع لفظی و معنوی دارد که با آیات قرآنی و احادیث نبوی آراسته شده است.

«بهره‌گیری از عناصر شاعرانه و صورخیال در روح‌الارواح به حدی است که می‌توان نثر کتاب را رمز بین نظم و نثر دانست و آن را نثر منظوم یا به تعبیر غلامرضایی نثر شاعرانه نامید. «روح‌الارواح از نمونه‌های تام نثر شاعرانه در زبان فارسی است؛ هم از نظر فراوانی صور خیال و موزون بودن سخن و هم مراعات جنبه‌های عاطفی و القایی و بلاغی کلام و فراوانی تمثیل از جمله تمثیل‌های مناظره‌گونه (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۳۱). کمتر بندی در روح‌الارواح وجود دارد که از تشبیهات زیبا و دل‌نشین خالی باشد. اگرچه به غیر از تشبیه، جناس، موازنه، سجع، تشابه حروف و ... نیز در آن به‌وفور به‌کار رفته؛ اما به‌یقین می‌توان گفت، تشبیه اساسی‌ترین ابزار تصویرسازی در این اثر بوده است. روح‌الارواح اثری است عرفانی و «در زبان عرفان از کاربرد تشبیه گریزی نیست؛ زیرا تعبیر ذوقیات عرفانی جز با واژگان مربوط به حسیات عرفی دست نمی‌دهد» (فولادی، ۱۳۸۷: ۳۵۰).

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره تشبیه در روح‌الارواح سمعانی تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ اما مقاله‌ای با عنوان «بررسی جنبه‌های ادبی در روح‌الارواح» نوشته فرح ابوطالبی عبدالله‌آبادی و سیده زهرا میرنژاد و همچنین «جنبه‌های ادب صوفیانه در روح‌الارواح» اثر فوجی ای موریو درباره تشبیه در روح‌الارواح در کنار سایر آرایه‌های ادبی موجود در این کتاب به‌طور مختصر و گذرا بحث شده است.

۱-۲. تشبیه

«تشبیه مانند کردن چیزی به چیزی در صفتی است. امر اول را مشبه و دوم را مشبه‌به می‌گویند» (همایی، ۱۳۷۳: ۲۲۷).

«ماندگی یا تشبیه مانند کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه در میانه آن دو می‌توان یافت» (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۰). چهارسوی یا پایه تشبیه این‌گونه معرفی شده است: ۱. مانده؛ (مشبه)؛ ۲. مانسته (مشبه‌به)؛ ۳. مانروی (وجه شبه)؛ ۴. مانواژ (ادات تشبیه). بنیاد پندار شاعرانه (مانروی) بر مانسته نهاده شده است. پایه برترین مانسته است که آن سه دیگر بر آن بنیاد می‌گیرند (همان: ۴۱).

تشبیهی که در آن ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده و فقط مشبه و مشبه‌به باقی بمانند، تشبیه بلیغ نامیده می‌شود. تشبیه بلیغ در بیشتر موارد به‌صورت اضافه تشبیهی به‌کار می‌رود و اضافه تشبیهی «تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه شده باشند» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

«مؤلف غیات در اقسام اضافه تشبیهی و آن اضافه تشبیهی و آن اضافه تشبیه‌به است به‌سوی مشبه و بعضی این را اضافه مجازی نیز گویند» (معین، ۱۳۶۱: ۸۹). از مجموع تعاریف فوق می‌توان تشبیه را همانند کردن چیزی به چیز دیگر دانست؛ در صورتی که این شباهت واقعی نباشد و شاعر یا نویسنده با استفاده از تخیل خود این ماندگی را ایجاد کرده باشد. بیشتر تشبیهات روح‌الارواح تشبیه بلیغ و به‌صورت اضافه تشبیهی به‌کار رفته است و در میان آن‌ها تشبیه مفصل با همه ارکان کمتر دیده می‌شود.



۲. بحث و بررسی

پیش از پرداختن به طبقه‌بندی محتوایی مشبیه به در روح الارواح، تشبیهات موجود در این اثر را به اعتبار حسی بودن و عقلی بودن دو طرف بررسی می‌کنیم.

۲-۱. مشبیه حسی، مشبیه به حسی

«مراد از حسی اموری است که به یکی از حواس پنجگانه چشایی، بینایی، بساوابی، شنوایی و بویایی قابل درک باشند؛ یعنی به‌طور کلی وجود محسوس و مادی داشته باشند» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۷۶).

بیشتر مشبیه‌های حسی در روح‌الارواح به طبیعت، وسایل زندگی، لباس، مکان‌ها، ابزارآلات جنگی و جانوران مربوط است؛ زیرا این امور برای خواننده ملموس‌تر و قابل فهم‌تر است.

پیشانی این شخص چون تخته سیم خام آفریده، دو ابرو چون کمان مشک ناب بر وی بزه کرده (سمعانی، ۱۳۶۸: ۶۴).

و ماه شاه‌شکل را بر تخت زمردین بنشانیدیم (همان: ۴۸).

تشبیه ماه به شاهی که بر تخت زمردین (استعاره از آسمان) نشسته است.

و از گریه مژگان خود را رسته لؤلؤ کرده (همان: ۲۶۴).

مژگان به خاطر وجود اشک به رشته مروارید تشبیه شده است.

تعداد این‌گونه تشبیهات در روح‌الارواح ۱۶۴ مورد است.

۲-۲. مشبیه عقلی، مشبیه به حسی

«عقلی در اصطلاح علم بیان سنتی، هر چیزی است که با یکی از حواس خمس قابل درک نباشد» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۷۷).

بیشترین درصد تشبیهات موجود در روح‌الارواح از این دسته و آمار آن ۲۴۵۱ مورد است. سمعانی مفاهیم ذهنی و انتزاعی را از طریق تشبیه به موجودات مادی و محسوس در ذهن خواننده مجسم می‌کند. همچنین در بیشتر موارد حالات روحی انسان‌ها به عناصر طبیعت مانند طوفان، آتش، شکوفه و... تشبیه شده که این امر افزون بر زیبایی ظاهری کلام، درک معنی را نیز تسهیل کرده است.



از همه درختان عالم شکوفه غم بیرون آمده، از هفت آسمان طوفان اندوه بیاریدی (سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۴۵).

تشبیه غم به شکوفه و اندوه به طوفان.

گوهر نبوت از طینت آدم پاک قدم سر بر زد (همان: ۴۹۴).

نبوت که امری عقلی است به گوهر که امری حسی است تشبیه شده است. پس خوف بر مثال آتش سوزان است و رجا بر مثال روغن مدد کننده است (همان: ۸۵). بدان سوزن قهر چشم ما بر می دوختند (همان: ۱۹۴).

۲-۳. مشبه حسی، مشبه به عقلی

کم بسامدترین نوع تشبیه که در کتاب روح‌الارواح به کار رفته است، به این گونه تشبیهات مربوط است (۹ مورد). «از نظر سبک‌شناسی باید توجه داشت این گونه تشبیهات در قرن پنجم در ادبیات فارسی آغاز می‌شود که نوعی نوآوری است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۰). شاید توجه سماعی به این تشبیهات نیز به همین دلیل بوده است.

مقدحه چون طبع بخیلان گشت (همان: ۴۱۸).

سمعانی در این عبارت سنگ چخماق را به طبع بخیلان مانند کرده است.

خواب چون مرگ و بیداری چون حیات (همان: ۱۷۸).

خواب و بیداری که اموری محسوس هستند، به مرگ و حیات که مفاهیمی انتزاعی‌اند، تشبیه شده است.

۲-۴. مشبه عقلی، مشبه به عقلی

تشبیه امور انتزاعی به مفاهیم عقلی از دیگر مواردی است که در روح‌الارواح سماعی به ندرت به چشم می‌خورد و شمار اندکی از کل تشبیهات موجود را تشکیل می‌دهد (۱۶ مورد).

اول بلایی که روی به تو می‌آرد بلای هستی تو است (سمعانی، ۱۳۶۸: ۹۸).

هستی و وجود انسان که خود مفهومی انتزاعی است به بلا که امری غیرمحمسوس است، تشبیه شده است.
در عدم‌آباد فقر فرورفت (همان: ۱۵).
فقر و عدم‌آباد هر دو از امور عقلی و انتزاعی است.

* جدول ۱: بسامد کاربرد تشبیه به اعتبار حسی بودن و عقلی بودن طرفین تشبیه

نوع تشبیه	درصد
حسی به حسی	۶/۲۲
عقلی به حسی	۹۲/۸۴
حسی به عقلی	۰/۳۴
عقلی به عقلی	۰/۶۰

۳. طبقه‌بندی محتوایی مشبیه به در روح الارواح سمعانی ۳-۱. طبیعت

با توجه به اینکه روح الارواح در اوایل قرن ششم تألیف شده و سبک خراسانی هنوز سبک غالب نویسندگی در این دوره است، اکثر تشبیهات به کار رفته در آن ساده و قابل فهم بوده و مانند دیگر عناصر طبیعی برای همگان ملموس است. سمعانی توانسته با ذهن مبدع و خلاق خود از این عناصر تصاویر فراوانی خلق کند. اکثر ویژگی‌های اخلاقی انسان‌ها به عناصر طبیعی تشبیه شده‌اند. نکته قابل توجه در این رابطه اینکه آسمان، خورشید، ابر و سایر عناصر طبیعت به صورت مطلق و بدون ذکر ویژگی‌های آن مورد نظر نویسنده بوده و جزئیات آن عناصر مشبیه به قرار نگرفته‌اند؛ اما، در مورد گیاهان این گونه نیست؛ حتی گیاهان بسیار کوچک مانند شنبلید و ریحان و نسرين به عنوان مشبیه به به کار برده شده‌اند.

از میان ۲۶۴۰ تشبیه بررسی شده، ۶۳۶ مورد درباره طبیعت است. این آمار نشان می‌دهد نخستین و پرکاربردترین موضوع مشبیه‌های روح الارواح به عناصر طبیعی مربوط است؛ عناصری مانند آفتاب، آسمان، دریا، چشمه، باغ، گیاهان و چمن.



ابره‌های کلام می‌آمد و قطرات لطف می‌بارید و ابره‌های قهر می‌آمد و قطره‌های خون جگر می‌بارید، گاه نهال شادی در باغ وصلت وی می‌کشتند، گاه گل دل وی را به خونابه حسرت می‌سرشتند. گاه آتش عشق و گاه آب لطف (سمعی، ۱۳۶۸، ۲۳۵).

یا محمد رضای تو درختی کردیم بر او توفیق و ایمان، از غضب و سخط تو سحابی ساختیم و باران و سیل او تبعید و خذلان (همان: ۳۴۳).

عناصر طبیعی در روح‌الارواح چنان به هم تنیده شده که هرکدام منظره‌ای زیبا را در ذهن خواننده مجسم می‌کند؛ گویی سمعی تابلویی بدیع از طبیعت خلق کرده تا مفاهیم انتزاعی هرچه بهتر به خواننده تفهیم شود. اگرچه طبقه‌بندی عناصر طبیعت در تشبیه‌های روح‌الارواح به دلیل استفاده ماهرانه نویسنده از این عناصر در کنار یکدیگر قدری دشوار به نظر می‌رسد؛ اما به‌طور کلی می‌توان طبیعت مورد استفاده در این تشبیهات را به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

• دریا، ساحل و چشمه

از موادی هستند که به‌صورت‌های مختلف مورد توجه سمعی قرار گرفته‌اند. وی قاعده خاصی برای بکارگیری این مواد در نظر نگرفته، گاه بزرگی و عظمت را به دریا تشبیه کرده و گاه دریا را مشبه به بلا و محنت قرار داده است.

میتین^۱ مجاهدت می‌زند تا آب مشاهدت از چشمه موافقت بر جوشد (همان: ۳۶۰).

سجاده سلامت دوجلهانی خویش به دریای بلا انداختیم (همان: ۱۴۶).

بحر عظمت در تلاطم آمد امواج عزت بخاست (همان: ۴۰۲).

گاه صفت قهر ما غواصی کرد و چون فرعونی و نمرودی و هامانی برآورد و بر ساحل خلقت بنهاد (همان: ۲۱۹).

• خورشید، آسمان و فلک

این عناصر در روح‌الارواح، مشبه به محاسن اخلاقی انسان‌ها قرار گرفته است.

منم که خورشید سعادت از فلک ارادت تو تابان گردانیدم (همان: ۵۹۴).

از عقل تو ماهی و از حلم تو آفتابی بر فلک پیکر تو رخشان کرده (همان: ۱۵۹).

خرشید نبوت به میان آسمان فتوت رسیده (همان: ۵۹۲).

همی از آسمان اسرار امطار انوار بیارید (همان: ۵۸۷).

خرشید صدق (همان: ۵۹۱)، فلک دل (همان: ۵۹۱)، خرشید ارواح (همان: ۳۳۱)، آسمان دل (همان: ۳۵۱)

آفتاب دولت (همان: ۴۱۱)، سمای لطف (همان: ۱۵۱).

• گیاهان، باغ و بوستان

عیهر لطف و نسرين انس و ريحان فضل خود در روضه دل‌های دوستان خود برویابندی (همان: ۳۴۱).

آفتاب لطف ازلی در روضه دلش تافته نسرين انس در آن روضه قدس دمیده، عیهر عقل برآمده شنبلیله وفا و گل صفا سر برزده بلابل کرامات بر ریاحین اشارات سراییده (همان: ۱۱).
مرغزار سینه (همان: ۵۹۴)، درخت محبت (همان: ۶۰۰)، گل جمال (همان: ۵۹۴)، نسرين تحمید (همان: ۱۱۹)، باغ وحی (همان: ۴۰۱)، باغ قدس (همان: ۴۲۳)، روضه دل (همان: ۵۹۴)، ریاض تقدیس (همان: ۱۱۹)، بستان غیب (همان: ۳۳۰).

• عناصر چهارگانه (خاک، آب، باد و آتش)

این عناصر گاهی برای توضیح و تفهیم یک مفهوم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و گاه یکی از این عناصر به‌عنوان مشبیه کار برده شده است. سمعانی توبه را به‌صورت بسیار زیبایی به عناصر اربعه تشبیه کرده است:

توبه آتشی است در دل سوزان و آبی است بر رخساره چکان، بادی است از سر حسرت وزان، خاکی است بر سرریزان به صفت متظلمان (همان: ۳۶۴).
محبت در ذات خود آتشی است و هر آتشی را زفانه ای است، زفانه نار محبت شوق است (همان: ۳۵۸).

آب اسرار (همان: ۴۰۰)، آتش عشق (همان: ۱۲۲)، آب لطف (همان: ۱۵۵)، آتش شوق (همان: ۳۵۳).

• صحرا، صخره، کوه و غار

غیرت، وحدانیت و دولت از جمله مواردی هستند که به‌صورت مکرر در روح‌الارواح به عناصری مانند صحرا، صخره و غار تشبیه شده‌اند. شاید استواری و صلابت موجود در این عناصر دلیل بکارگیری این مواد در تصویرسازی‌ها بوده است:

قرآن کریم که از پرده غیرت به صحرای عزت آوردیم برای آسایش دل‌های شما بود (همان: ۵۹۶).

شعاعی که از خرشید نظر به اسرار غیبی به کوه دیده آن پیری درافتاد، هر دعوت که کردی اجابت آمد (همان: ۱۴۷).

و چهار بالش خاتم‌الانبیا در صدر غار غیرت نصب کرد (همان: ۴۰۰).
صحرای وحدانیت (ص ۶۰۸)، صخره صمای نفس^۲ (همان: ۳۳۲)، غار غیرت (همان: ۳۵۳)،
صحرای دولت (همان: ۳۵۳).

۲-۳. اسباب و لوازم زندگی

بعد از طبیعت، دومین موضوعی که در تصویرسازی‌های روح‌الارواح به‌عنوان ماده تشبیه به کار رفته است، اسباب و لوازم زندگی است. سمعانی در تشبیهات خود بیشتر از وسایل ساده زندگی مانند کلید، سفره، سوزن، فرش و صندوق استفاده کرده و از این راه درک مفاهیم ذهنی را برای خواننده آسان‌تر کرده است (۳۷۷ مورد).

ماه شمع تو است چون نباشی شمع به چه کار آید (همان: ۴۸۱).
در روز الست بریکم مائده‌ای از مودت بنهادند و تو را به حکم لطف بر آن مائده نشانند (همان: ۱۵۴).

چون مدهوش مناجات خطاب گشت و مخمور آن شراب گشت مقربان حضرت را با مراوح^۳ انس بفرستادند تا بادش می‌کردند (همان: ۱۳۵).

و نیاز با وی عنان زنان، و فقر بر سفره وجودش میزبان (همان: ۱۵۵).
حق جل جلاله رسول کرامت را با کلید تجاوز و عفو بفرستاد (همان: ۳۹۰).
محبتی که در وی بلا نبود چون دیگی بود که در وی ملح نبود (همان: ۴۲۹).
گلیم تسلیم (همان: ۱۳۱)، سکین تسکین (همان: ۱۳۱)، کشتی بلا (همان: ۱۵۶)
کووس لطف و شقا (همان: ۱۵۶)، عصای و عسی (همان: ۱۳۳)، صندوق غیرت (همان: ۱۳۶)،
فرش وفا (همان: ۴۰۰)، سوزن فضل (همان: ۱۵۰)، کأس تجرید (همان: ۳۵۲)

^۲ - صما: نام سنگی در بیت المقدس

^۳ - مراوح: بادبزن‌ها



۳-۳. لباس (پوشاک)

لباس (پوشاک) نیز از دیگر مواردی است که در تشبیهات روح‌الارواح بسامد بالایی دارد. سمعانی صفات پسندیده انسانی را به لباس و پوشش تشبیه کرده است؛ البته در موارد معدودی نیز برای عینیت‌بخشیدن به ویژگی‌های اخلاقی ناپسندی چون ظلم و ستم و مفاهیم دیگر نیز از این موضوع بهره‌مند شده است:

باید که قرطه تواضع و لباس خشوع و جامه افکندگی در بندگی درپوشد که هیچ لباس بر قد خاک راست‌تر از لباس تواضع و افکندگی نیست (همان: ۶۰).

و ازاری از نیاز بر بسته باشی و ردایی از وفا و بردباری برافکنده و در عالم صدق لبیک عشق زده (همان: ۱۲۱).

و طراز اعزاز و اصطنعتک لِنَفْسِی، بر کسوت دولت او کشیدند و خال اقبال و اَلْقَیْتِ عَلَیْکَ مَحَبَّةٌ مَنّی بر رخساره جمال او زدند و خلعت رفعت اَنّی اصطنعتیک علی النَّاسِ در وی درپوشیدند و طیلسان احسان بی عَلت بر کتف جَبَلت او افکندند (همان: ۱۳۵).

مشرک بود باز آنکه در حال معصیت در جلیابِ حشمت و حیا بود (همان: ۳۳۹).

ای ابراهیم صد هزار کلمه صدق در لباسِ خَلتِ بگفتی برای خود، برای ما سه کلمه بگوی برای بازپس ماندگان ذریت آدم (همان: ۳۱۰).

کلاه دعوی (همان: ۵۸۱)، خلعت خَلت (همان: ۳۱۰)، کسوت عزت (همان: ۲۲۰)، عصابه عزت (همان: ۲۱۴).

ردای تفرید (همان: ۱۰۲)، جامه جفا (همان: ۱۱۱).

آمار این گونه تشبیهات ۲۸۶ مورد است.

۳-۴. مکان

یکی دیگر از مفاهیمی که نویسنده روح‌الارواح در سطح نسبتاً گسترده‌ای به‌عنوان ماده تشبیه در نظر گرفته، مکان‌های گوناگون مانند سرا، حجره، آشیانه، بازار، شهر، بارگاه، برج و است:

بی قیل‌وقال و جواب و سؤال در بازار شریعت نهانش عیان شود (همان: ۳۳۱).

ای درویش چون همای محبت از آشیانه غیب بپرید و به عرش رسید عظمت دید (همان: ۲۲۱).

مصطفی را - علیه‌السلام - به این عالم صفا بردند، سرای فضل بدو عرضه کردند، دار عدل به

وی نمودند (همان: ۴۱۰).



دار بلا (همان: ۳۰۹)، روم هوی (همان: ۳۶۰)، کلبه عجز (همان: ۱۲۵)، صفه صفوت (همان: ۵۹۲)، قصر عشق (همان: ۱۱۳)، شهر قهر (همان: ۱۴۷)، دروازه مرگ (همان: ۵۸۲)، مرقد همت (همان: ۳۳۹).

۳-۵. اصطلاحات رزمی

ابزار و اصطلاحات رزمی از مفاهیم پرکاربرد دیگری است که در روح‌الارواح به‌عنوان ماده تشبیه به‌کار گرفته شده است. نویسنده با استفاده از واژه‌هایی چون تیر، شمشیر، خنجر، مغفر، درع و صمصام تشبیهات بسیار زیبایی ساخته است. در این بین، مفاهیم مشکلی چون دلاوری، عزم، تسلیم و تقوی به این‌گونه مواد تشبیه شده‌اند:

از ترکش تجرید تیری از تفرید برکشید و برکمان کمی نهاد و از بند تا بند برکشید (همان: ۱۲۰).
و جان در منجیق تسلیم نهاد (همان: ۵۸۹).
کون با وی لباس حرب پوشیده و در وی صمصام داوری کشیده و او درع دلاوری در برافکنده و مغفر مردانگی بر سر نهاده (همان: ۹۷).
لگام تقوی بر سرش کن، زین ریاضت بر نه، حزام حزم بر او بند، به سوط عزمش در میادین دین بر سوی صراط مستقیم بدار (همان: ۱۷۵).
تیر لعنت (همان: ۱۶۳)، تیغ قهر (همان: ۵۳۵)، شمشیر قهر (همان: ۳۵۰)، خنجر خصومت (همان: ۱۵۴)

تعداد این تشبیهات ۱۸۲ مورد است.

۳-۶. مقامات و جایگاه‌های انسان‌ها

یکی از مفاهیمی که در تشبیهات روح‌الارواح مورد نظر نویسنده بوده، مقامات و جایگاه انسان‌هاست. سلطان، طفل، شاه، غلام، عروس، فراش و ... مواردی هستند که به‌عنوان مشبه‌به به‌کار گرفته شده‌اند:

آن لوح مختصر در پیش طفل عقل بنهاد (همان: ۱۷۷).
مگر سلطان سرّ ما حلقه در تو نگرفت، مگر رسول برّ ما پروانه لطف به جان تو نرسانید (همان: ۳۰۵).

عروسان طبیعت پیش نشانده و بر زروزیور و رنگ و بوی ایشان عاشق شده (همان: ۳۲۸).



سلطان همت (همان: ۳۱۴)، فرآش لطف (همان: ۴۰۰)، شاهان حقیقت (همان: ۳۲۸)، سلطان آفتاب (همان: ۱۱۸)، جاسوس عقل (همان: ۱۳۱).

تعداد این نوع تشبیهات ۸۴ مورد است.

گفتنی است، در روح الارواح بهشت، جهنم، آتش، خورشید، ستارگان، درخت گندم، عرش، کونین و ... روح انسانی دارند و خطاب واقع می‌شوند، حتی با همدیگر صحبت می‌کنند. اکنون اگر بخواهیم این موارد را نیز جزء تشبیهات به انسان فرض کنیم، آمار بالاتری از این تشبیه را خواهیم داشت؛ اما در این موارد بهتر است به جای تشبیه اصطلاح آنیمیسیم یا جاندارانگاری را به کار ببریم (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

۳-۶-۱. اعضای بدن انسان

اعضای بدن انسان در تصویرسازی‌های روح‌الارواح بسامد بالاتری در مقایسه با انسان دارد (۱۵۷ مورد):

و لقمه حلال از عهد جلال ربوبیت به تو دادند، توبه دست بلی گرفتی و در دهان محبت نهادی (همان: ۱۵۴).

و تاج اقبال به حکم افضال بر هامه همت می‌نهد و لامیل (همان: ۱۶۰).

و جامه جفا به دست وفا چاک کردند (همان: ۱۱۱).

و حلیه اصطفی و خلعت صفا در جید دولت وی افکندند (همان: ۱۶۲).

موارد فوق به نوعی استعاره کنایی به‌شمار می‌آید «در استعاره کنایی، چیزی از آن روی که به آدمی یا به جانداري مانند شده است، می‌تواند ویژگی‌ها و رفتارهای این دو را دارا گردد» (کزازی، ۱۳۷۰: ۷۳).

سمع نبوت (همان: ۲۱۳)، دهان قبول (همان: ۳۵۳)، پستان قدس (همان: ۴۱۹)، مشام امثال

(همان: ۱۱۹)، صفرای عشق (همان: ۱۴۷)، دست غیرت (همان: ۱۴۸).

۳-۷. جانوران

سمعانی جانوران را یکی از مواد تشبیه، به‌ویژه در تبیین ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد انسان‌ها می‌داند. تشبیه مفاهیم انتزاعی به جانوران یکی از مواردی است که کاربرد نسبتاً بالایی در روح‌الارواح دارد و تعداد آن ۱۲۰ مورد است.



همه چیز در آدمی باز یابند؛ اما آدمی را در هیچ چیز باز نیابند. گاه شجاعی گردد چون شیر، گاه بددلی چون خرگوش و گاه بخیلی چون سگ و گاه وحشی چون پلنگ و گاه انیسی چون کبوتر، گاه مکاری چون روباه و گاه سلیم دلی چون گوسفند، گاه شتاب زده ای چون آهو، گاه گرانی چون خرس، گاه عزیز الجانیی چون پیل، گاه دلیلی چون اشتر و گاه خرامنده ای چون طاووس (همان: ۱۷۸).

کافر همچون کلاغ وحشی است که هیچ چیز نیرزد، و قرآی خشک مغز همچون مرغ خانگی است که قیمتش درمی بود، اما مقنن توأب همچون باز است که می شود و می آید هزار درم می ارزد (همان: ۵۳۹).

خنزیر حرص (همان: ۳۳۰)، اسب معرفت (همان: ۴۱۲)، سگ آرزو (همان: ۳۳۰)، عندلیب روح (همان: ۵۹۸)، پروانه لطف (همان: ۳۰۵)، صعوه هوس (همان: ۱۱۱).

۳-۷-۱. اعضای بدن جانوران

اعضای بدن جانوران نیز به عنوان مشبیه به کار گرفته شده اند (۱۸ مورد).

در غار حیرت خلوتگاهی ساخته بود تا مرغ ظنون چون آنجا رسد پر وهم بيفکند (همان: ۴۰۰). تا باز عالی همت طریقت به منقار استغفار تذرو رنگین تهمت با شهوت را از پیش تو در رباید (همان: ۳۲۸).

مخلب حیا (همان: ۴۱۹)، بال اقبال (همان: ۳۲۹)، مخالف قهر (همان: ۱۱۱)، جناح نجاج (همان: ۳۲۹).

۳-۸. جواهر و معادن

از دیگر عناصر قابل توجه در تشبیه های روح الارواح جواهر و معادن است.

این نقطه خاک کان نیاز است و معدن فقر و افتقار (ص ۱۵۶).

نقطه خاک استعاره از انسان که به معدن نیاز و فقر و افتقار تشبیه شده است.

قراضه ستاره و درم ماه و بدره آفتاب در پیش خورشید حلت نفايه دید، از همه روی بگردانید (همان: ۳۵۲).

ای نقاش حکم و قدر تا چه نقش خواهی کرد بر زر وجود (همان: ۳۵۲).



یواقیت لطافت (همان: ۴۲۳)، معدن حیات (همان: ۱۰۳)، کیمیای روح (همان: ۱۶۲). درّ محبت (همان: ۵۹۹)، جواهر کرامت (ص ۴۲۳)

تعداد این‌گونه تشبیهات ۸۶ مورد است.

۳-۹. نور

یکی از مفاهیمی است که در کتاب روح‌الارواح مورد توجه نویسنده قرار گرفته و ۸۴ مورد از تشبیهات را از آن خود کرده است. در توصیف حضرت محمد (ص) می‌نویسد:

اما نور معاملات، در سر او نور تواضع بود، در پیشانی او نور سجود بود، در ابروی او نور خضوع بود، در بینی او نور خشوع بود، در چشم او نور عبرت بود، در روی او نور غیرت بود، در گوش او نور حق بود، در دهان او نور صبر بود، در زلفان او نور ذکر بود، در موی او نور جمال بود، در گردن او نور تسلیم بود... (همان: ۵۲۶).

نور خدمت (همان: ۵۲۶)، نور لطف (همان: ۲۰۱)، انوار اسرار (همان: ۲۷۴)، نور افتخار (همان: ۵۲۶)، نور طاعت (همان: ۵۲۶)، نور شوق (همان: ۲۲).

۳-۱۰. خوراکی‌ها

قرب، وصل، قربت، قهر و ... از جمله مسائل انتزاعی هستند که در روح‌الارواح به خوراکی‌ها تشبیه شده‌اند. توجه ویژه نویسنده از بین خوراکی‌ها، به نوشیدنی‌ها به‌ویژه شراب است:

ما را در سرای بقا فرو آرد و بر تخت رضا بنشاند و شراب وصل بچشاند (همان: ۴۲۵).

کیست که سرمست بوی دلجوی قهوه قرب او نیست (همان: ۱۳۵).

بلا در محبت دریا بد چون نمک در دیگ (همان: ۱۴۰).

بار خدایا اگر ایشان سنگ بر دندان ما می‌زنند تو شکر قبول بر سر ایشان نثار کن (همان: ۲۵۰).
و ارواح لطیف را که در مسا و صباح، غبوق و صبح و اقداح شراب عبادات کشیده بودند به شاگردی وی فرستادند (همان: ۱۳۲).

شراب عزّ (همان: ۱۳۵)، شیر قرب (همان: ۴۱۹)، شراب قهر (همان: ۴۲۹)، میوه لطف (همان: ۴۱۹)، قهوه قربت (همان: ۱۳۲)، لقمه لطف (همان: ۱۳۵).

آمار تشبیهات مربوط به خوراکی‌ها ۷۴ مورد است.



۶۶ مورد از تشبیهات روح‌الارواح به مشاغل گوناگون مربوط است: هنوز آدم زلت نیاورده بود که خیاط لطف صدره توبه دوخته بود (ص ۷۱). هنوز ابلیس معصیت نکرده بود که طیب قهر شربت زهر و انّ علیک اللعنه آمیخته بود (همان: ۷۱).

آفتاب طباخ تو است چون تو نباشی طباخ چه کند (همان: ۴۸۱). پشت آدم بحر اسرار ما بود و قدرت ما غواص آن بحر (همان: ۲۱۹). فضل صمدانی غواص وار به عمان ایمان فرو شد (همان: ۵۹۰). باغبان شجره ایمان کالبد است (همان: ۱۲۳). خیاط ابد (همان: ۲۱۸)، خطیب مشیت (همان: ۴۰۴). غواص مشیت (همان: ۴۰۴).

۱۲-۳. اصطلاحات نویسندگی

۵۷ مورد از تشبیهات به کاررفته در روح‌الارواح اصطلاحات نویسندگی، همچون قلم، لوح، دبیرستان، تخته و مداد است:

از مژه چشم قلم و از خون جگر حبر و از رخساره قرطاس و از آب‌دیده دبیری ساخته (همان: ۳۱).

به الواح روح به مداد امداد به قلم لطف قدم عهدنامه ربوبیت ثبت کرد (همان: ۱۵۴). و این طغرای عزت در منشور دولت تو ثبت کند که قسمت الصلاه بینی و بین عبدی نصفین (همان: ۱۲۵).

مصحف مجد (همان: ۱۲۶)، دبیرستان وجود (همان: ۱۴۹)، مهر امانت (همان: ۵۹۸)، خط عزل (همان: ۳۵۱)، رقم اعزاز (همان: ۱۲۶)

۱۳-۳. اصطلاحات مذهبی

اصطلاحات مذهبی نیز عنصر دیگری است که سمعانی در تشبیهات خود به آن اشاره کرده که ۴۹ مورد از آنها به اصطلاحات مذهبی مربوط است:

دل‌ها در سینه‌ها بر مثال کعبه‌ای است آن کعبه از احجار و این کعبه از اسرار (همان: ۱۲۲). هیچ دانی که خود چه کرده‌ای با یوسف شرع و بنیامین عهد ما (همان: ۵۶۸).



ای درویش بهشت فصل را از بهشت وصل دریا بند؛ اما بهشت وصل را از بهشت فصل دریا بند
(همان: ۱۵۵).

اینک آدم صفی، آن سالک اول و آن سرنقطه دول، سیصد سال خون جگر بر رخساره نثار کرد و
در خانقاه دل با زاویه وار نفس مکار نثار کرده (همان: ۱۴۲).

سجاده سلامت (همان: ۱۴۶)، منای وقت (همان: ۲۱۳)، حرای حیرت (همان: ۴۰۰)، براق اقبال
(همان: ۵۹۹)

۱۴-۳. زیور و زینت

توتیا، کحل، سرمه و ... از مواردی هستند که در برخی از تشبیهات روح‌الارواح به
آنها توجه شده است؛ البته استفاده از این‌گونه عناصر بسامد بالایی ندارد و فقط ۲۲
مورد از کل تشبیهات را شامل می‌شود:

خداوندان نظر پاک توتیای تحقیق و ائمه توفیق به حکم کرم قدم در بصر بصیرتشان کشیده‌اند
(همان: ۱۶۲).

قرط^۴ خشوع و خضوع در گوش یقین کند (همان: ۲۹).

دیده همت همه خردمندان را در حق ادراک کمال دولت آدم سرمه غیرت کشیده. (همان: ۲۷۵).
حدقه نبوت که کحل عصمت کشیده بود بر آن سرپوشیده افتاده گفت: سبحان الله مقلب القلوب
(همان: ۴۱۲).

کحل توفیق (همان: ۲۰۷)، توتیای توبت (همان: ۲۹)، کحل لطیف لطیفه وجوه یومئذ (همان:
۳۲۹)

۱۵-۳. حروف الفبا و جمله‌ها

دهان باز کرد بر شکل دال محمد (همان: ۴۱۹).

بسم‌الله بنویسی و در زیر با نقطه بزنی، شبلی آن نقطه است (همان: ۳۳۴).

آن الف منتصب چیست؟ مبتدی راه و آن یای منعطف چیست؟ منتهی راه رفته هستی به باد
داده (همان: ۳۳۵).

^۴ - قرط: گوشواره

ما کیستیم اصغر العبید و احقر اهل التوحید، در هجا واو عمرو، در خط الف وصل، در نحو از باب مالا ینصرف، در نسب از زمره من لایعرف، در عجم نقطه با، در ندا حرف ترخیم، در سباع و کلبهم باسط، در طیور فراش مبیث، در میان خلق نحس فلک ابوقلان البائس (همان: ۲۵۹).
ابجد عشق (همان: ۱۴۹)، نقطه عصمت (همان: ۵۹۰)

حروف و جمله‌ها نیز بسامد بالایی ندارند و ۱۷ مورد از کل تشبیهات مربوط به این مفاهیم است.

۳-۱۶. سایر موارد

مفاهیم عقلی و انتزاعی، اصطلاحات مربوط به می و میخانه، عناصر رنگ و بو، وسایل بازی و سرگرمی و موارد دیگری چون سم و زهر، راحله، قافله و صید عناصری هستند که با بسامد بسیار کم در تشبیهات روح‌الارواح به کار رفته‌اند. اصطلاحات می و میخانه ۸ مورد، وسایل بازی و سرگرمی ۹ مورد، عناصر رنگ و بو ۸ مورد و بقیه عناصری که در گروه خاصی طبقه‌بندی نمی‌شوند ۸۲ مورد از تشبیهات را شامل می‌شوند که آن‌ها را با عنوان سایر موارد (جمعاً ۱۰۷ مورد) بررسی می‌کنیم:

این مشت خاک بی‌باک را هر خلعت که بفرستادند به خرابات بشریت فرو برد و به دردی درد و سلاف دن عشق^۵ درباخت (همان: ۱۵۰).

ای به عطر معرفت پراکنده (همان: ۸۳).

بوی دهان متغیر دهان روزه‌داران عطر سراپرده قدوسیت است (همان: ۴۶۳).

گوی انتظار به پایان میدان ابد انداخته (همان: ۲۲).

و دلم را گوی میدان بلا کنی به چوگان قهر چنانکه خواهی می‌اندازی (همان: ۴۳۰).

صیود نظر (همان: ۳۵۳)، سموم قهر (همان: ۹۷)، بضاعت طاعت (همان: ۱۳۰)، قافله جلال

(همان: ۱۳۳). زهر قهر (همان: ۱۶۳)، خرابات محو صفات (همان: ۱۳۲)، لاشه ادبار (همان:

۵۹۹)، ندای عزت (همان: ۲۱۸)، خم مشیت (همان: ۱۳۴).



^۵ - سلاف دن عشق: آغاز یا سرخنب می عشق

جدول ۲- بسامد مواد تشبیه در روح الارواح سمعانی

درصد	مواد تشبیه (موضوع مشبیه به)	درصد	مواد تشبیه (موضوع مشبیه به)
۳/۲۵	جواهر و معادن	۲۴/۰۹	طبیعت
۳/۱۸	نور	۱۴/۲۸	اسباب و لوازم زندگی
۲/۸۰	خوراکی‌ها	۱۰/۸۳	پوشاک
۲/۵	مشاغل	۸/۲۵	مکان
۲/۱۵	اصطلاحات نویسندگی	۶/۸۹	اصطلاحات رزمی
۱/۸	اصطلاحات مذهبی	۳/۱۸	انسان (مقامات و جایگاه‌ها)
۰/۸۳	زیور و زینت	۵/۹۴	اعضای بدن انسان
۰/۶۴	حروف الفبا	۴/۵۴	جانوران
۴/۰۵	سایر موارد	۰/۰۶	اعضای بدن جانوران

افزون بر آنچه درباره مواد تشبیه در روح الارواح بیان شد، به چند مورد از شگردهای کاربرد تشبیه در روح الارواح، که بررسی آن‌ها می‌تواند برخی از ویژگی‌های سبکی نویسنده را تبیین کند، اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت:

- استفاده از مشبیه‌های مشترک بر ای مشبیه‌های متفاوت:

آتش توبه (همان: ۳۶۹)، آتش دل (همان: ۳۲)، آتش بی‌نیازی (همان: ۱۲)، آتش انس (همان: ۴۷)

- آوردن «از» در میان برخی اضافه‌های تشبیهی:

باش تا خلعتی از توفیق در تو پوشیم (همان: ۳۶۳).

هر یکی را قمیصی از غیرت پوشیده (همان: ۵۸۷).

- بکار بردن مشبیه‌های مترادف در کنار هم

عجب از این ذرات ذریت وی است که بر کشتی بلا می‌جهند و در زورق بلی می‌نشینند (همان: ۱۵۶).

- تصویرسازی‌های بسیار زیبا

آب دیده و خون جگر و درد دل با هم بیامیزی و از آن مثلث عشق سازی (همان: ۱۵۶).

کعبه بر مثال شمع است و عاشقان بر مثال پروانه‌اند (همان: ۱۲۲).

- استفاده از واژه‌های نامأنوس به‌عنوان مشبیه به



اطریفل^۶ عشق؛ ما این اطریفل عشق را کی آمیختیمی (همان: ۱۸۷).

- بکارگیری آیات قرآنی و احادیث نبوی به عنوان مشبّه تا سفره خطاب الست بر بکم بیفکنیم و اقداح شراب یحبهم پیای کنیم و کوس لطف و سقاہم رہم دمام کنیم (همان: ۱۵۶).
- وجود شبکه‌های معنایی و مراعات نظیر در تشبیهات تا نجوم محبت و اقمار معرفت و شمس صفت در آسمان دل تو خیمه‌های دولت خود بزنند (همان: ۳۵۶).
- بکار بردن لفظ «بر مثال» به عنوان ادات تشبیه دل تو بر مثال آبگینه است (همان: ۳۶۹).
- استفاده از انواع مختلف تشبیه اعم از مفرد، مقید، مرکب، مفصل، مجمل، مرسل، مؤکد، بلیغ، مضمّر، تفضیلی و ... در آمیختن تشبیه با استعاره و تشبیه در تشبیه.

۴. نتیجه‌گیری

سمعانی در کتاب روح‌الارواح از انواع صور خیال از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز و ... استفاده می‌کند؛ اما از تشبیه بیش از دیگر عناصر بهره می‌برد. با مطالعه و بررسی تشبیهات روح‌الارواح درمی‌یابیم که بیشترین نوع تشبیه، از نوع معقول به محسوس است. پس از آن تشبیهات محسوس به محسوس قرار می‌گیرند. تشبیهات معقول به معقول و محسوس به معقول بسامد بسیار پایینی را در این اثر دارند. این امر بیانگر آن است که سماعی تلاش کرده است تا اندیشه‌های عرفانی خود، همچنین احوال و مقامات عرفانی و حالات روحی عارف را به عناصر طبیعی که برای مخاطب آشنا و ملموس‌تر است، تشبیه کند تا مفاهیم بلند عرفانی قابل فهم و درک گردد. مهم‌ترین موضوعی که در روح‌الارواح مشبّه به واقع شده طبیعت است. طبیعت مورد نظر سماعی به چند عنصر از عناصر طبیعت محدود نیست؛ بلکه او از دریا، فلک، آسمان، خورشید، گیاهان، باغ و بستان تا خارهای بیابان را ابزاری برای

^۶ - اطریفل: معجونی مرکب از هلیله، بلیه و آمله.



تصویرهای ذهنی خود می‌داند. تشبیهات زیبایی او که در آن گیاهان مختلف از قبیل ریحان و شنبلیله و نسرين و ... مشبیه هستند، بسیار بدیع و جذاب است. از مجموع ۲۶۴۰ تشبیه به‌کاررفته در روح‌الارواح، ۶۳۶ مشبیه از میان عناصر طبیعت انتخاب شده است.

ابزار، وسایل و اسباب زندگی نیز دومین ماده تشبیه در روح‌الارواح است. سفره، آینه، شمع، سوزن، کلید، صندوق و هر آنچه می‌توان به‌عنوان وسایل زندگی برشمرد در تصویرسازی‌های او نقش عمده‌ای دارند.

از سوی دیگر، سمعانی برای تشبیه ویژگی‌های اخلاقی خوب انسان‌ها عمدتاً پوشاک را در جایگاه مشبیه قرار داده و واژه‌هایی چون لباس، طیلسان، خلعت و جلباب را با بسامد بالایی به‌کار برده، در موارد اندکی ظلم و ستم را نیز به جامه و قرطه تشبیه کرده است.

مکان‌ها، اصطلاحات رزمی، انسان و اعضای بدن انسان و جانوران نیز در تشبیهات روح‌الارواح نقش عمده‌ای دارند.

از دیگر مواردی که در روح‌الارواح موضوع مشبیه قرار گرفته است، خوراکی‌ها، اصطلاحات نویسندگی، اصطلاحات مذهبی، زیور و زینت، وسایل بازی و سرگرمی و ... هستند.

تنوع مواد تشبیه در روح‌الارواح به حدی گسترده است که طبقه‌بندی و برشمردن آن‌ها قدری دشوار به نظر می‌رسد. با مطالعه تشبیهات این کتاب به تسلط ماهرانه شهاب‌الدین احمد سمعانی بر علوم و فنون ادبی، علوم قرآنی، شعر و شاعری و ... پی می‌بریم و اینکه دلیل تصویرسازی‌های زیبایی سمعانی، تفهیم بهتر مفاهیم انتزاعی به خواننده است.

منابع

- ابوطالبی عبدالله‌آبادی، فرح و میرنژاد، سیده زهرا (۱۳۹۱)، **بررسی جنبه‌های ادبی در روح الارواح**، ششمین همایش پژوهش‌های ادبی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۴)، **داستان هبوط آدم در روح الارواح سمعانی**، ترجمه سید لطف‌الله جلالی و محمد سوری، مجله طلوع، سال چهارم، شماره ۱۵.



- سمعانی، شهاب‌الدین احمد (۱۳۶۸)، **روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتحاح**، به تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰)، **بیان**، ویراست چهارم، تهران: نشر میترا.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸)، **سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه**، از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فولادی، علیرضا (۱۳۸۷)، **زبان عرفان**، قم: نشر فراگفت.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)، **زیباشناسی سخن پارسی** (بیان)، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۷۰)، **زیباشناسی سخن پارسی** (معانی)، تهران: نشر مرکز.
- معین، محمد (۱۳۶۱)، **اضافه**، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر.
- موریو، فوجی‌ای (۱۳۸۴)، **جنبه‌های ادب صوفیانه در روح‌الارواح**، مجله آینه میراث دوره جدید سال سوم، شماره ۳ و ۴.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، تهران: هما.